

اصول تربیت معنوی فرزندان (متربی) از منظر نهج البلاغه (با تأکید بر نامه ۳۱ و خطبه یک نهج البلاغه)

مژده علیزاده

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه شهید باهنر

malizadeh1229@gmail.com

چکیده

تربیت معنوی با ویژگی‌های خاص و تعالی بخش خود تضمین کننده کمال و سعادت بشریت در همه قرون و ره توشه تمامی ره‌پویان طریق کمال است. در دین مبین اسلام بیانات و سیره پیشوایان و بزرگان دینی نیز بر همین اساس شکل گرفته است و در واقع از بهترین منابع در این زمینه محسوب می‌شوند. از این جهت هدف از پژوهش حاضر «بررسی اصول تربیت معنوی فرزندان (متربی) از منظر نهج البلاغه (با تأکید بر نامه ۳۱ و خطبه یک نهج البلاغه)» است. به منظور وصول به هدف فوق از روش توصیفی-تحلیلی و از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از استدلال یا استنتاج انجام گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در امر تربیت معنوی فرزندان یا متربی از نامه ۳۱ و خطبه یک، اصول متعددی را می‌توان استنباط و استخراج کرد. از جمله برخی از این اصول عبارتند از: اصل بینش‌دهی صحیح در باب مبانی خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی الهی به فرزندان یا متربی، اصل ایمان به خدا و عمل به دستورات او و حرکت در جهت هدف غایی (قرب الی الله)، اصل توجه فرزندان یا متربی به شناخت دنیا و توجه به آخرت، اصل آموختن قرآن و تبعیت از دستورات آن به فرزندان یا متربی، اصل توجه به راه و روش و سیره ائمه اطهار (ع) و تبعیت از آنها، اصل توجه به مرگ و معاد، اصل سوق دادن فرزندان یا متربی به سمت انجام اعمال نیک، اصل توجه به طلب درخواست از خدا (دعا کردن)، اصل ایجاد فضائل اخلاقی در خود و اصل دوری از رذائل اخلاقی. توجه به اصول فوق می‌تواند جهت تنظیم برنامه‌ای سعادت آفرین برای فرزندان یا متربی و اجرای آن برای دستیابی به کمال مطلوب فرزندان یا متربیان مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تربیت معنوی، اصول، نهج البلاغه

مقدمه

تعلیم و تربیت از دیرباز و در قرون مختلف تاریخی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. چرا که با تعلیم و تربیت صحیح و اصیل و بنیادی می توان انسان‌هایی مؤمن، متعهد، با درایت، با ذکاوت، شایسته، عالم و در معنای حقیقی انسان را ساخت. در واقع رسیدن به این مهم یکی از خاستگاه‌های اساسی هر جامعه‌ای و مخصوصاً کشور ایران که بر اساس مبانی اسلامی و قرآنی شکل گرفته و دارای پشتوانه‌هایی مستحکم از فرهنگ غنی و تمدنی کهن و دینی مبتنی بر آموزه‌های وحی است، می‌باشد. در این راستا «تربیت معنوی با ویژگی‌های خاص و تعالی بخش خود تضمین کننده کمال و سعادت بشریت در همه قرون و ره توشه تمامی ره‌پویان طریق کمال است که فراگیری علمی و متخلق شدن عملی به آن با روش‌های منطقی و در چارچوب برنامه‌های تربیتی دین مبین اسلام امری ضروری است» (رهبر و رحیمیان، ۱۳۸۲). دین مبین اسلام دارای منابع موثقی چون قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، صحیفه علویه، سیره ائمه اطهار(ع) و آثار و دعاها و مناجات‌های آنها و دیگر آثار موثق در این زمینه می‌باشد. در این راستا نهج البلاغه یکی از غنی ترین منابع اسلامی است. نهج البلاغه دریایی از معارف حق می باشد که هزاران باب بر انسان می گشاید. نهج البلاغه فقط یک کتاب دینی یا معنوی نیست، بلکه یک کتاب تربیتی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و... می باشد و در واقع در ابعاد و نیازهای گوناگون جامعه بشری سخن گفته است. جامعه امروزی بیش از پیش نیازمند بکارگیری معارف و آموزه‌های نهج البلاغه در راستای داشتن زندگی بهتر و حل مشکلات متعدد است، زیرا همانگونه که دیده می شود امروز ما شاهد معضلات زیادی در عرصه های گوناگون هستیم، که این خود کم‌توجهی به آثار موثق و اصیل فوق و از جمله قرآن و نهج البلاغه را می رساند. به راستی اگر امروزه از رهنمودهای امام علی(ع) در اجتماع، سیاست و تربیت و... به درستی و به وفور استفاده می شد، چه بسیار از مشکلات و معضلات حل می گردید. در امر خطیر تعلیم و تربیت نیز باید گفت نهج البلاغه دریایی از آموزه‌های تربیتی است که بهره‌گیری از آنها در نظام تعلیم و تربیت و یا دیگر عرصه‌های تربیتی امری ضروری است. مخصوصاً که امروزه خواه ناخواه تأثیرپذیری از ارزشهای نظام تربیتی بیگانه و درهم آمیزی آنها با نظام تربیتی خود بیشتر شده لذا ضرورت بازگشت به منابع اصیل و عظیمی چون قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار(ع) جهت برنامه ریزی نظام تربیتی بیشتر می گردد. از این جهت با توجه به اهمیت تعمق در دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین(ع) و نیز لزوم و جایگاه تربیت معنوی در جامعه و زندگی بشر پژوهش حاضر در صدد آن است تا با تأکید بر خطبه یک نهج البلاغه و نامه ۳۱ برخی از مهم ترین اصول تربیت معنوی فرزندان یا متربی را استخراج نماید. علت انتخاب خطبه یک و نامه ۳۱ نهج البلاغه این است که در خطبه یک حضرت امیرالمؤمنین(ع) به ذکر مبانی اساسی که هر فرد نیاز است آنها را بشناسد و در آنها تفکر کند و این مهم منشأ دیگر شناخت‌ها، افکار و اعمال او در زندگی بشود، می پردازند و در واقع سعی دارند بینش وسیعی در باب مهم ترین مسائل چون جهان و انسان و خدا به فرد بدهند که در نظر گرفتن این مهم در تعلیم و تربیت و مخصوصاً تربیت معنوی امری ضروری است. ضمن اینکه در نامه ۳۱، امام علی(ع) به بیان معارف و آموزه های دینی و اخلاقی و در واقع دستورالعمل های متعدد و در حیطه های گوناگون به فرزندشان امام حسن(ع) می پردازند که حاوی نکات مهم و ضروری در تعلیم و تربیت می باشد. هر چند که مخاطب امام(ع) می تواند همه انسانها باشند. لذا برگرفتن اصول تربیت معنوی از این بخش نیز امری ضروری مخصوصاً در رابطه با فرزند یا متربی است. «اصول تعلیم و تربیت مجموعه قواعد، بایدها و دستورالعمل های کلی هستند که به عنوان راهنمای عمل در امر تعلیم و تربیت قرار می گیرند و به معلم می گویند برای رسیدن به هدف مورد نظر چه باید کرد» (باقری، ۱۳۸۷: ۸۷). در پژوهش حاضر اصول به منزله بایدها و دستورالعمل های کلی هستند که بر مبنای سخنان امام علی (ع) در خطبه یک می توانند به عنوان راهنمایی در امر برنامه ریزی مطلوبتر تربیتی مد نظر قرار گیرند. لذا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که اصول تربیت معنوی فرزندان یا متربی از منظر نهج البلاغه با تأکید بر خطبه یک و نامه ۳۱ چه می باشند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی و روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. این روش با معانی، مفاهیم، نمادها و توصیف ویژگی‌ها سروکار دارد و تلاشی برای ارائه تعبیر و تفسیر معانی است (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۶). در این روش خط به خط نسخه‌ها خوانده می‌شود، سپس مفاهیم مورد نظر در یافته‌ها شناسایی و طبقه‌بندی می‌شوند. در مرحله یعد مفاهیم سازماندهی شده و انتزاعی می‌گردند، یعنی مورد تحلیل و تفسیر عقلانی قرار می‌گیرند (کریستنس، ۱۳۹۱: ۲۳۵). منبع اصلی در پژوهش حاضر مصحف شریف نهج البلاغه بود و سایر کتب از جمله تفاسیر و لوح‌های فشرده مرتبط منابع ثانویه محسوب گردیدند. در مرحله اول خطبه یک و نامه ۳۱ به دقت خوانده شدند و سپس مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش شناسایی و استخراج گردید و هر کدام در فیش‌های جدا از یکدیگر ثبت و طبقه‌بندی شدند. در مرتبه بعد این مفاهیم مورد تحلیل قرار گرفتند و بر اساس استدلال یا استنتاج استلزامات تربیتی آنها کشف گردید.

یافته‌های پژوهش

اصول تربیت معنوی فرزندان (متربی) از منظر نهج البلاغه (با تأکید بر نامه ۳۱ و خطبه یک نهج البلاغه)

۱- اصل بینش‌دهی صحیح در باب مبانی خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی الهی به فرزندان یا متربی

۱-۱- بینش‌دهی صحیح در باب مبانی خداشناسی

خداشناسی از مبانی بسیار مهم و اساسی در تربیت معنوی فرزندان یا متربی است. حضرت امیرالمؤمنین (ع) سرآغاز دین را خداشناسی می‌دانند و همواره سعی دارند تا خدا را در جای جای نهج البلاغه به مخاطب بشناسانند و از این طریق سبب نگاه و تحولی عظیم در مخاطب نسبت به آفرینشگر خود شوند. حضرت امیرالمؤمنین (ع) اینگونه در خطبه یک خداوند را معرفی می‌کنند: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِّيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِّيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ» (به نقل از مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ۲۴۷). سرآغاز دین خداشناسی است، و کمال خدا باور داشتن او و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی او است و کمال توحید، اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است... (خطبه یک). لذا در تربیت فرزندان یا متربی باید به افزایش شناخت او از خدا و اسماء و صفات الهی پرداخت. فرزندان یا متربی با شناخت صفات الهی بیشتر به عظمت و قدرت خداوند و مالک بودن او بر جهان و انسان پی می‌برد. همچنین این مهم پایه و اساسی می‌شود برای شناخت‌های اساسی دیگر او که در زندگی به آنها نیاز دارد. امام علی (ع) در نهج البلاغه بسیار از صفات الهی سخن می‌گویند، از جمله در هنگام بیان جهان آفرینش صفات الهی را در پرتو قدرت الهی برای خلق جهان بیان می‌کنند. از جمله زمانی که می‌فرمایند: «خداوند سبحان طبقات فضا را شکافت و اطراف آن را باز کرد و هوای به آسمان و زمین راه یافته را آفرید و در آن آبی روان ساخت، آبی که امواج متلاطم آن شکننده بود که یکی بر دیگری می‌نشست. آب را بر بادی طوفانی و شکننده نهاد و باد را به بازگرداندن آن فرمان داد...». لذا در تعلیم و تربیت نیز نیاز است متعلمان را با پدیده‌های موجود در عالم آشنا کرد. متعلم باید خود در آن پدیده‌ها دقت و مشاهده کند و در حقیقت عظمت آفریننده آن پدیده‌ها در خلق چنین آفریده‌های زیبایی را درک کند. اینگونه متعلم به درک و شناختی عمیق‌تر در باب هستی می‌رسد و اگر این آشنایی از همان دوره‌های اولیه کودکی و یا خردسالی شروع شود به مراتب تأثیر افزون‌تری بر متعلم دارد. زیرا پایه‌های اساسی شکل‌گیری شخصیت کودک در این زمان است و اگر او از همان زمان پی به صفات و قدرت الهی از طریق آفریده‌هایش ببرد بی‌شک در بزرگسالی هم از بینش و شناخت عمیق‌تری برخوردار می‌شود و می‌تواند به عالم نگاه توحیدی داشته باشد.

۲-۱- بینش‌دهی صحیح در باب مبانی جهان‌شناسی

از اصول دیگری که سبب تحولات معنوی در فرزند یا متربی می‌شود اصل شناخت جهان و آنچه در آن است، می‌باشد. به عنوان مثال زمانی که حضرت امیرالمومنین(ع) جهان‌شناسی الهی را در خطبه یک نهج البلاغه اینگونه به تصویر می‌کشاند « خلقت را آغاز کرد و موجودات را بیافرید، بدون نیاز به فکر و اندیشه‌ای یا استفاده از تجربه‌ای، بی آن که حرکتی ایجاد کند...پیش از آنکه موجودات را بیافریند از تمام جزئیات و جوانب آنها آگاهی داشت...سپس خدای سبحان طبقات فضا را شکافت و اطراف آن را باز کرد و هوای به آسمان و زمین راه یافته را آفرید و در آن آبی روان ساخت، آبی که امواج متلاطم آن شکننده بود، که یکی بر دیگری می‌نشست...اب را بر بادی طوفانی و شکننده نهاد و باد را به بازگرداندن آن فرمان داد و به نگهداری آب مسلط ساخت...»(نهج البلاغه، خطبه ۱)؛ در اینجا امام(ع) سعی دارند فرزند را متوجه آفرینش جهان و شگفتی‌ها و عظمت آن توسط خداوند متعال کنند. این امر سبب می‌شود مخاطب به تفکر در جهان و نحوه آفرینش آن و عظمت آن و آفریننده آن بپردازد و لذا این مهم سبب رشد و تکامل بیشتر او در مسیر بندگی و کمال می‌شود.

از این جهت در تربیت معنوی فرزند هم نیاز است او را به شناخت بیشتر جهان و هر آنچه در آن است، از موجودات گوناگون و خارق العاده که تنها از دست آفریننده خلاق پا به عرصه وجود می‌نهند، از شگفتی‌ها و عظمت و قدرت الهی در آفرینش آن، از طبیعت و زیبایی‌های آن، از امور مافوق طبیعت و بسیاری موارد مرتبط دیگر سخن گفت و فرزند یا متربی را به تفکر در آنها سوق داد. این جهان‌شناسی الهی است که پایدارترین و صحیح‌ترین جهان‌شناسی است و قطعاً اگر فرزند یا متربی از همان سالیهای اولیه کودکی به تناسب سن و فهم و درک خود اینگونه جهان را بشناسد و در آن تفکر و تحقیق و پژوهش کند در عرصه‌های دیگر زندگی خود هم موفق‌تر است. زیرا جهان‌شناسی و خداشناسی و انسان‌شناسی الهی او را از نگاه مادی‌گرایی و سکولاریستی رها می‌کند و سبب موفقیت در عرصه‌های دیگر زندگی او شود.

۱-۳- بینش‌دهی صحیح در باب مبنای انسان‌شناسی

در باب انسان‌شناسی حضرت امیرالمؤمنین(ع) به تبعیت از قرآن کریم به شناخت انسان و خصایص او و نحوه آفرینش او می‌پردازند. امام(ع) در خطبه یک اینچنین آفرینش انسان را به تصویر می‌کشاند: « ثُمَّ جَمَعَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَزَنِ الْأَرْضِ وَ سَهْلِهَا وَ عَذْبِهَا وَ سَبْخِهَا تُرْبَةً سَنَّهَا بِالْمَاءِ حَتَّى خَلَصَتْ وَ لَاطَهَا بِالْبَلَّةِ حَتَّى لَزَبَتْ فَجَبَلَ مِنْهَا صُورَةً ذَاتَ أَحْنَاءٍ وَ وُصُولٍ وَ أَغْضَاءٍ وَ فُضُولٍ - أَجْمَدَهَا حَتَّى اسْتَمْسَكَتْ وَ أَصْلَدَهَا حَتَّى صَلَصَلَتْ لَوْفَتِ مَعْدُودٍ وَ أَجَلَ مَعْلُومٍ ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ فَمَثَلَتْ إِنْسَانًا ذَا أَذْهَانٍ يُجِيلُهَا وَ فِكْرٍ يَتَصَرَّفُ بِهَا وَ جَوَارِحٍ يَخْتَدِمُهَا وَ أَدَوَاتٍ يُقَلِّبُهَا وَ مَعْرِفَةٍ يَفَرِّقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ...؛ سپس خداوند بزرگ خاکی از قسمت‌های گوناگون زمین از قسمت‌های سخت و نرم، شور و شیرین گرد آورد. آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد و با افزودن رطوبت چسبناک گردید. آنگاه از روحی که آفرید در آن دمید تا به صورت انسانی زنده درآمد. دارای اندیشه که وی را به تلاش اندازد و دارای افکاری که در دیگر موجودات تصرف کند. به انسان اعضا و جوارحی بخشید که در خدمت او باشند و ابزاری عطا فرمود که آنها را در زندگی به کار گیرد. قدرت تشخیص به او داد تا حق و باطل را بشناسد و ...»(نهج البلاغه، خطبه ۱). لذا در اینجا نیز امام علی(ع) دارند ابتدا از نحوه آفرینش انسان سخن می‌گویند. ضمن اینکه انسان را دارای روح الهی می‌دانند و بیان می‌دارند که خداوند متعال از روح خود در انسان دمید و بدین وسیله زنده شد و صاحب نیروها و ابزارهای متعددی برای شناخت حقایق و معارف و زندگی مطلوب در راستای رسیدن به کمال شد. سپس انسان را به تفکر در خلقت انسان و همچنین ابزارهای شناختی و نیروهای عظیمی که در او قرار داده شده، می‌کنند.

زمانی که انسان در مراحل آفرینش خود و اینکه در واقع از هیچ بوده و سپس خداوند او را از نیستی به هستی آورد و به او نعمت حیات و هستی و بودن بخشید و یا اینکه برگرفته از روح الهی است، می‌اندیشد به عظمت آفرینش خود پی می‌برد. اینکه با دمیده شدن روح الهی در او به عظمت والایی دست یافت و باید در این جهان در خور این مقام زندگی کند. اینکه بهر هدفی مهم به این جهان قدم گذاشته است و قرار است به واسطه این روح معنوی به جهانی دیگر قدم بگذارد و زندگی جاویدان دیگری را آغاز کند. لذا خداوند متعال ابزارهای شناختی چون حواس و عقل و قلب و منابع شناختی را در او قرار داد

تا این مسیر را سریع‌تر و به طور صحیح بپیماید و به هدف نهایی خود برسد. ضمن اینکه هر چه بیشتر و صحیح‌تر از این ابزارهای شناختی استفاده کند این ابزارها کارآمدتر می‌شوند و اگر استفاده صحیح نکند و به سمت امور حرام و گناه پیش برود، این قوای شناختی نیز رو به ضعف می‌روند. بنابراین تفکر در تمامی این موارد نیز سبب تحول معنوی عمیقی در فرد می‌شوند که این نگاه و تفکر آنان را به پذیرش دستورات الهی و دین حق راغب‌تر کرده و در مسیر حق استوارتر می‌سازد. بنابراین در تربیت معنوی فرزند هم باید او را به تفکر در تمامی موارد فوق برانگیخت و سبب شد تا او صاحب تفکر و بینشی عمیق در باب انسان شود.

توجه به موارد فوق نشان می‌دهد که در تعلیم و تربیت باید در مرتبه اول نسبت به بینش‌دهی صحیح در مبانی جهان‌شناسی الهی و خداشناسی الهی و انسان‌شناسی الهی در فرزند یا مرتبی پرداخت. زمانی که نگرش و بینش فرزند یا مرتبی نسبت به جهان و انسان و خدا دچار تحول عظیمی گشت قطعاً آن تحول در اعمال و رفتارش هم مشهود می‌شود. در اینجا و با انجام دستورات الهی توسط فرزند یا مرتبی می‌توان انتظار سعادت دنیوی و اخروی او را داشت.

۲- ایمان به خدا و عمل به دستورات او و حرکت در جهت هدف غایی (قرب الی الله)

از دیگر اصولی که باید در تربیت معنوی فرزند یا مرتبی مد نظر قرار داد سوق دادن او به سمت ایمان به خدا و عمل به دستورات او و حرکت برای رسیدن به هدف غایی یعنی قرب الی الله است. در حقیقت فرزند باید بداند که در این جهان برای هدفی خلق شده است، باید برای زندگی اش اهدافی نیک و متعالی برگزیند تا به هدف نهایی‌اش برسد. از منظر قرآن کریم گرایش به خداوند و خوبی‌ها و کمالات در انسان فطرتاً قرار گرفته و او به سمت همه خوبی‌ها گرایش دارد «فَطَرَتِ اللَّهُ آلَتِي فَطَرَتِ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰). حضرت امیرالمؤمنین (ع) نیز همواره سعی دارند فرزندشان را به سمت خداوند متعال سوق دهند. از جمله زمانی که به فرزندشان می‌فرمایند: «اول هر چیزی است که آغاز ندارد و آخر هر چیزی که پایان نخواهد داشت. برتر از آن است که قدرت پروردگاری او را فکر و اندیشه درک کند. حال که این حقیقت را دریافتی در عمل بکوش...» (نامه ۳۱). امام علی (ع) در جایی دیگر می‌فرمایند: «پس به قدرتی پناه ببر که تو را آفریده، روزی داده و اعتدال در اندام تو آورده است. بندگی تو فقط برای او باشد و تنها اشتیاق او را داشته باش و تنها از او بترس» (نامه ۳۱). این مهم نشان می‌دهد در تربیت معنوی فرزند یا مرتبی باید ابتدا این نیرو یعنی گرایش به سمت خداوند متعال را در او به فعلیت رساند تا مسیر و راه برای دیگر اعمال فرزند یا مرتبی فراهم شود. زیرا زمانی که به خدا ایمان آورد تابع دستورات او هم است و آنها را انجام می‌دهد. عمل به این دستورات در حیطه‌های مختلف زندگی و در رابطه با خود و خدا و دیگران و موجودات دیگر تبلور پیدا می‌کند. ضمن اینکه تمامی این موارد برای رسیدن به هدف غایی زندگی یعنی قرب الی الله است و قطعاً هدفی بالاتر از آن وجود ندارد.

۳- اصل توجه فرزند یا مرتبی به شناخت دنیا و توجه به آخرت

از اصول دیگری که با توجه به نامه ۳۱ نهج البلاغه می‌توان استنباط کرد اصل توجه فرزند یا مرتبی به شناخت دنیا و توجه به آخرت است. از منظر حضرت امیرالمؤمنین (ع) دنیا محل قرار و ماندن نیست بلکه آن را با انواع زر و زیور و حتی سختی‌ها و بلاها می‌دانند که انسان نباید فریب آن را بخورد. از منظر امام (ع) باید از دنیا استفاده کرد و عمل نیک انجام داد تا آخرت نیک داشت. بنابراین امام علی (ع) در جای جای نهج البلاغه سعی در شناخت صحیح دنیا به مخاطب می‌کنند. از جمله زمانی که در معرفی دنیا به فرزندشان می‌فرمایند: «عَرَضِ الْأَسْقَامِ وَ رَهِينَةِ الْأَيَّامِ وَ رَمِيَّةِ الْمَصَائِبِ وَ عَبْدِ الدُّنْيَا وَ تَاجِرِ الْغُرُورِ وَ غَرِيمِ الْمَنَآيَا وَ أَسِيرِ الْمَوْتِ وَ خَلِيفِ الْهَمُومِ وَ قَرِينِ الْأَحْزَانِ وَ نَصَبِ الْأَفَاتِ وَ صَرِيعِ الشَّهَوَاتِ وَ خَلِيفَةِ الْأُمُوتِ...» در دنیا هدف بیماری‌ها، در گرو روزگار، و در تیررس مصائب، گرفتار دنیا، سوداکننده دنیای فریبکار، وام‌دار نابودی‌ها، اسیر مرگ، هم سوگند رنج‌ها، همنشین اندوه‌ها، اماج بلاها، به خاک درافتاده خواهش‌ها، و جان‌نشین گذشتگان است». لذا مطابق با این سخن امام (ع) دنیا همراه با سختی‌ها و بلاها و البته هواهای نفسانی که فرد را به بیراهه می‌کشاند، است. پس فرزند یا مرتبی باید

هر چه زودتر با آنها آشنا شود تا خود را برای هر پیشامدی آماده کند و در این راستا فریب آن را نخورد. امام(ع) در جایی دیگر می‌فرماید: «شما را از دنیاپرستی می‌ترسانم، زیرا منزلگاهی است برای کوچ کردن، نه منزلی برای همیشه ماندن. دنیا خود را با غرور زینت داده و با زینت و زیبایی می‌آفریند. خانه ای که نزد خدا بی‌مقدار است، زیرا که حلال آن با حرام و خوبی آن با بدی و زندگی در آن با مرگ و شیرینی آن با تلخی‌ها در هم آمیخته است...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳). امام(ع) در این بیان، دنیا را مکانی برای کوچ کردن به سرای ابدی می‌دانند، دنیایی که فرد باید مراقب باشد تا اسیر آن نشود و اگر اسیر آن شود از هدف اصیل و نهایی خود باز می‌ماند. در واقع «دقت کافی در این زندگی زودگذر نشان می‌دهد که حلقه‌ای است از یک سلسله طولانی، و مرحله‌ای است از یک مسیر بزرگ، همانگونه که دقت در زندگی دوران جنینی نشان می‌دهد که هدف نهایی خود این زندگی نیست، بلکه این یک مرحله مقدماتی برای زندگی گسترده‌ای است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۶۵).

بنابراین توجه به این اصل در تربیت فرزند یا مرتبی سبب می‌شود تا او به شناخت صحیحی درباب دنیا برسد. با این شناخت او در می‌یابد که دنیا جایگاه اصیل و همیشگی او نیست. بلکه او چند صباحی را باید در اینجا زندگی کند و اگر مطابق با دستورات الهی عمل کند و زندگی نیکی را برای خود پدید آورد قطعاً در آخرت زندگی بهتری خواهد داشت لذا امام(ع) در باب آخرت چنین می‌فرماید: «ای پسر من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسان‌ها در آنجا فراهم است اطلاع دادم و برای هر دو مثال زدم تا پند پذیری و راه و رسم زندگی بیاموزی. همانا داستان آن کس که دنیا را آزمود چونان مسافرانی است که در سر منزلی بی آب و علفی و دشوار اقامت دارند و قصد کوچ کردن به سرزمینی را دارند که در آنجا آسایش و رفاه فراهم است. پس مشکلات راه را تحمل می‌کنند و جدایی دوستان را می‌پذیرند سختی سفر را و ناگواری غذا را... تا به جایگاه وسیع و منزلگاه امن با آرامش قدم بگذارند...» (نامه ۳۱). در اینجا نیز امام علی(ع) سعی دارند که توجه فرزند را به آخرت که اصیل‌تر است جلب می‌کنند. اینکه نباید فریب این دنیا را بخورد و جذب لذتهای آن شود بلکه باید در سختی‌ها و اسانی‌ها همواره صبوری و سعه صدر و ایمان و توکل خود به خدا را از دست ندهد بلکه در سختی‌ها صبور باشد و در خوشی‌ها از یاد خدا غافل نشود تا آخرت نیکی هم داشته باشد. بنابراین مرتبی باید به آنجا برسد که هر آنچه در دنیا بکارد در آخرت برداشت خواهد کرد و باید پاسخگوی تمامی اعمال خود در این دنیا باشد.

۴- اصل آموختن قرآن و تبعیت از دستورات آن به فرزند یا مرتبی

یکی از اصول مهم دیگر در نامه ۳۱ نهج البلاغه توجه خاص حضرت امیرالمؤمنین(ع) به آموزش و تعلیم قرآن به فرزندانشان است. ایشان در این باب می‌فرماید: «وَأَنْ أُبَدِّكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَا أَجَاوِزُ بِكَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ؛ پس در آغاز تربیت تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم». امام(ع) در خطبه یک نیز می‌فرماید: «کتاب پروردگار میان شما است، که بیان کننده حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، پندها و مثل‌ها، مطلق و مقید، محکم و متشابه می‌باشد» (خطبه یک). لذا باید گفت قرآن کریم برنامه زندگی انسان را در خود جای داده است و قطعاً عمل کردن به دستورات آن راهگشای بشریت در عرصه‌های مختلف است. حضرت امیرالمؤمنین(ع) تمامی سعادت انسان را در قرآن و عمل به دستورات آن می‌دانند. در واقع اگر کودک در این مسیر هدایت شود و با قرآن کریم مأنوس شود و به دستورات آن عمل کند به طور حتم از آثار نیک آن هم در زندگی دنیوی و هم زندگی اخروی برخوردار می‌شود و به سعادت خواهد رسید. این مهم نشان می‌دهد که والدین یا مربی باید ابتدا خود الگوی نیکی در این عرصه برای کودک باشند و سپس کودک را تشویق به خواندن و عمل به دستورات قرآن کنند. باید گفت در جهت تربیت معنوی کودک رعایت این اصل نیز یکی از ضروریات است.

۵- اصل توجه به راه و روش و سیره ائمه اطهار و تبعیت از آنها

این اصل نیز از جمله اصول مهمی است که باید در تربیت معنوی فرزند یا متربی مد نظر قرار داد. حضرت در این باب می فرمایند: «بدان پسر، هیچکس چون رسول خدا از خدا آگاهی نداده است، رهبری او را پذیرا باش و برای رستگاری راهنمایی او را بپذیر...» (نامه ۳۱). این مهم مورد تأکید قرآن کریم هم است، آنجا که می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱). امام (ع) در خطبه یک می فرمایند: «رسول گرامی اسلام در میان شما جانشینان برگزید که تمام پیامبران گذشته برای امت های خود برگزیدند، زیرا آنها هرگز انسان ها را سرگردان رها نکردند و بدون معرفی راهی روشن و نشانه های استوار از میان مردم نرفتند» (خطبه یک). لذا «حقیقتاً اگر پیامبر (ص) در زندگی ما، اسوه باشد، در ایمان و توکلش، در اخلاص و شجاعتش، در نظم و نظافتش، و در زهد و تقوایش، به کلی برنامه های زندگی ما دگرگون خواهد شد و نور و روشنایی سراسر زندگی ما را فرا خواهد گرفت. از این جهت امروز بر همه مسلمانان است که سیره پیامبر (ص) را مو به مو بخوانند و به خاطر بسپارند و او را در همه چیز قدوه و اسوه خود سازند، که مهمترین وسیله سعادت و کلید فتح و پیروزی همین است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۶۵). در واقع این بزرگان و سیره زندگی آنها پایه و اساس و الگویی نیک برای همه انسان ها می باشد. فرزند یا متربی باید بداند بدون این الگو و تحت سیره آنها زندگی نکردن و یا فاصله گرفتن زیاد از این بزرگواران به طور حتم آنها را دچار آشفتگی و سرگردانی و شکست می کند. ضمن اینکه آخرت آنها را دچار مشکل می کند. لذا سخن گفتن از ائمه اطهار (ع) به صورت کلامی و همچنین پیاده کردن سیره آنها در زندگی ابتدا توسط خود مربی یا والدین بسیار مؤثر است و متربی یا فرزند را بیشتر تحت تاثیر قرار می دهد. از این جهت بودن الگویی نیک برای آنها بسیار مفید می باشد و در واقع هدایت کردن باید هم به صورت کلامی و هم به صورت عملی باشد.

۶- اصل توجه به مرگ و معاد

توجه به مرگ و معاد نیز از اصول مهم دیگری است که باید در تربیت معنوی فرزند یا متربی مد نظر قرار داد. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در این باره می فرمایند: «پسر در وصیت من درست بیندیش، بدان که در اختیاردارنده مرگ همان است که زندگی در دست او است، همو می میراند، و نابودکننده همان است که دوباره زنده می کند... بدان که دنیا جادوانه نیست...» (نامه ۳۱). ایشان در جایی دیگر می فرمایند: «يَا بُنَيَّ أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ ذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ وَ تُقْضَى بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ؛ پسر مراوان یاد مرگ باش، و به یاد آنچه که به سوی آن می روی و پس از مرگ در آن قرار می گیری» (نامه ۳۱) و باز در جایی دیگر می فرمایند: «پسر بدان که تو برای آخرت آفریده شده ای نه برای دنیا، برای رفتن از دنیا نه پایدار ماندن در آن، برای مرگ نه زندگی جادوانه در دنیا که هر لحظه ممکن است از دنیا کوچ کنی، و به آخرت در آیی و تو شکار مرگی هستی که فرار کننده آن نجاتی ندارد و هر که را بجوید به آن می رسد و سرانجام او را می گیرد» (نامه ۳۱). لذا «توجه به مساله مرگ و زندگی طبعاً برای انسان پند و عبرت آور می باشد. چرا که این دنیا آمیخته ای از مرگ و حیات، و سلامتی و بیماری، و فقر و توانگری، و راحت و تعب، و وجدان و فقدان است. همه این دنیا چه آن مقدارش که در خود انسان است، و چه آنها که در خارج از ذات آدمی است، مملوک پروردگار اوست، و هیچ موجودی از این دنیا استقلال در خودش و در هیچ چیز ندارد» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۹۸). توجه دادن فرزند یا متربی به مرگ و معاد سبب می شود او دنیا را سرای ابدی نداند و یا فکر نکند با مرگ پوچ می شود. او دنیا را سرای ابدی و جاویدان نمی داند و با تفکر در می یابد که این دنیا بسیار زودگذر بوده و بلکه در مکانی دیگر باید پاسخگوی تمامی اعمال خود در این دنیا باشد. در واقع معاد و قیامت برای به پاداش رسیدن نیکان و مجازات تمامی افرادی که به ظلم و جنایت ها دست زده اند می باشد. لذا متوجه کردن فرزند یا متربی به این امور سبب می شود زندگی بهتری را در دنیا برای خود برگزیند تا در آخرت دچار مشکل نشود و در بهشت جاویدان جای بگیرد.

۷- اصل سوق دادن فرزند یا متربی به سمت انجام اعمال نیک

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه مخاطب و یا فرزند خود را همواره به سمت انجام اعمال نیک سوق می دهند، چنانکه می فرمایند: «وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَمَامَكَ طَرِيقًا ذَا مَسَافَةٍ بَعِيدَةٍ وَ أَهْوَالٍ شَدِيدَةٍ وَ أَنَّهُ لَا غِنَى بِكَ عَنْ حُسْنِ الْإِرْتِيَادِ وَ قَدَرِ

بَلَاغِكَ مِنَ الزَّاد...؛ بدان راهی پرمشقت و بس طولانی در پیش روی داری و در این راه بدون کوشش بایسته و تلاش فراوان و اندازه گیری زاد و توشه و سبک کردن بار گناه موفق نخواهی شد... اگر مستمندی را دیدی که توشه‌ات را تا قیامت می‌برد و فردا که به آن نیاز داری به تو بازمی‌گرداند، کمک او را غنیمت شمار... بدان که در پیش روی تو گردنه‌های صعب‌العبوری وجود دارد، که حال سبکباران به مراتب بهتر از سنگین باران است و آن که کند رود حالش بدتر از شتاب گیرنده می‌باشد و سرانجام حرکت، بهشت یا دوزخ خواهد بود. پس برای خویش قبل از رسیدن به آخرت وسایلی مهیا ساز و جایگاه خود را پیش از آمدنت آماده کن» (نامه ۳۱).

لذا مطابق با این سخن امام(ع) انسان باید در این جهان تا آنجا که می‌تواند به اعمال نیک بپردازد تا ثمره و پاداش آن را در سزایی دیگر ببیند. در این مسیر بسیار باید تلاش و کوشش کرد و البته سختی‌ها را هم تحمل کرد تا نتایج درخشانش در آخرت به دست آید. لذا در تربیت فرزند یا متربی هم یکی از اصول مهم توجه به این اصل است. یعنی والدین یا مربی تا آنجا که می‌توانند باید فرزند یا متربی را در این جهت سوق دهند و مزایای آن را هم برای او بازگویند. اما باید توجه داشت ابتدا والدین یا مربی خود باید در این زمینه برای فرزند یا متربی الگویی نمونه باشند تا آنها هم یاد بگیرند.

۸- اصل توجه به طلب درخواست از خدا(دعا کردن)

از دیگر اصولی که امام علی(ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه بر آن تاکید می‌کنند جلب توجه فرزند نسبت به طلب درخواست‌های خود از خدا است. زیرا خداوند متعال تنها مالک آسمانها و زمین است و اگر فردی خالصانه رو به سوی او آورد و از او درخواست نیاز یا حاجتی کند، اجابت می‌کند. امام(ع) در این باب می‌فرماید: «بدان خدایی که گنج‌های آسمان و زمین در دست او است به تو اجازه درخواست داده و اجابت آن را بر عهده گرفته است. تو را فرمان داده تا از او بخواهی تا عطا کند. درخواست رحمت کنی تا ببخشد...»

لذا مطابق با این سخن امام(ع) در تربیت فرزند یا متربی باید توجه او را به سمت خدا جلب کرد، این مهم که اگر نیاز یا حاجتی دارد باید آن را تنها از خدا بخواهد و با تلاش کردن برای رسیدن به هدف و توکل به خدا طلب اجابت درخواست از خدا را داشته باشد. در اینجا کودک تکیه‌گاهی جز خدا نمی‌شناسد و سعی می‌کند در زندگی اش به غیر وابسته نباشد. ضمن اینکه اگر درخواست یا دعای او مستجاب نشد، نباید از درگاه خدا ناامید شود و یا انگیزه خود را برای دعا کردن از دست بدهد. زیرا امکان دارد حکمت خداوند فعلاً بر مستجاب شدن دعای او نباشد و با دلایلی دیگر داشته باشد. چنانکه امام علی(ع) پس از بیان طلب درخواست از خداوند می‌فرماید: «هرگز از تاخیر اجابت دعا ناامید نباش زیرا بخشش الهی به اندازه نیت است. گاه در اجابت دعا تاخیر می‌شود تا پاداش درخواست‌کننده بیشتر و جزای آرزومند کامل‌تر شود. گاهی درخواست می‌کنی اما پاسخ داده نمی‌شود، زیرا بهتر از آنچه خواستی به زودی و یا در وقت معین به تو خواهد بخشید با به جهت اعطاء بهتر از آنچه خواستی دعا به اجابت نمی‌رسد. زیرا چه بسا خواسته‌هایی داری که اگر داده شود مایه هلاکت دین تو خواهد بود».

بنابراین این مهم نشان می‌دهد که باید فرزند را با این وقایع آشنا کرد و انتظار داشت تا او نیز اینگونه ببیند و عمل کند. زیرا در جامعه امروز متأسفانه مواردی مشاهده می‌شود که برخی فرزندان یا متربیان هنگامی که درخواستی از خداوند دارند و یا دعایی می‌کنند اگر آن دعا برآورده نشود و یا به خواسته‌شان نرسند سریعاً رابطه خود را با خدا تغییر می‌دهند و به عبارتی دیگر با خدا قهر می‌کنند. این مهم متأسفانه روی انجام اعمال دینی آنها هم تأثیر منفی می‌گذارد، یعنی امکان دارد نماز خواندن و روزه گرفتن را به کنار بگذارند و یا مسیر زندگی خود را تغییر دهند. البته این امر متأسفانه در برخی از افراد بزرگسال هم دیده می‌شود. بنابراین این وظیفه والدین یا معلم یا مربی است که قبل از هر چیز فرزند یا متربی را از حقایق آگاه کند و به او یادآوری کند که باید به مصلحت خدا اندیشید و اگر دعا مورد استجاب قرار نگرفت نباید به خداوند متعال نگاهی منفی داشت و یا رابطه خود را با او تغییر داد و یا دچار یأس و ناامیدی شد. بلکه باید به حکمت او رضایت داد و خود را تسلیم امر او نمود. زیرا او به مصلحت انسان از هر چیز آگاه‌تر است و خیر و صلاح بشر را بیشتر از هر کس دیگری می‌خواهد.

از منظر حضرت امیرالمؤمنین(ع) نکته دیگری که در باب دعا کردن باید مد نظر داد این است که باید موارد اساسی و مهم را از خدا طلب کرد. مواردی چون عمر بیشتر، تندرستی بدن و گشایش در روزی. چنانکه امام علی(ع) می فرمایند: «و از گنجینه های رحمت او چیزهایی را درخواست کن که جز او کسی نمی تواند عطا کند، مانند عمر بیشتر، تندرستی بدن و گشایش در روزی. سپس خداوند کلیدهای گنجینه های خود را در دست تو قرار داده که به تو اجازه دعا کردن داد. پس هر گاه اراده کردی می توانی با دعا درهای نعمت خدا را بگشائی تا باران رحمت الهی بر تو ببارد». لذا مطابق با این سخن امام علی(ع) باید از همان کودکی به فرزند آموخت که درخواست هایش از خدا بیشتر حول محور این موارد باشد. زیرا این موارد پایه و اساسی برای نیازهای اساسی دیگر او هستند که باید با تلاش کوشش خود آنها را به دست آورد. در واقع باید به فرزند آموخت که موارد غیرضروری و یا درخواست هایی که امکان دارد در آنها گناه یا مفسده ای باشد و یا مطابق با فطرت او نباشد را از خدا درخواست نکند.

۹- اصل ایجاد فضائل اخلاقی در خود

حضرت امیرالمؤمنین(ع) همواره مخاطب را به سمت فضائل اخلاقی و دوری از رذایل سوق می دادند. در واقع این مهم از رسالت های تمامی انبیاء و اولیاء الهی محسوب می شد. امام(ع) در این باره می فرمایند: «چون برادرت از تو جدا شود تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن، و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامی که دوری گزیند تو نزدیک شو، و چون سخت گیرد تو آسان گیر، و به هنگام گناهش تو عذر او را بپذیر...»(نامه ۳۱). لذا مطابق با این سخن امام(ع) در تربیت فرزند هم همواره باید او را به سمت فضائل اخلاقی سوق داد. خوبی ها را برای او بیان کرد و از او خواست تا در عملش هم آنها را به کار گیرد. هر چند این اصل نیز همانند اصول قبلی نیاز به الگوگیری دارد و به عبارت دیگر زمانی که والدین یا مربی خودشان در عمل فضائل اخلاقی را رعایت کنند می توان انتظار داشت تا در فرزند یا مربی هم تاثیرات مثبت خود را بگذارد.

۱۰- اصل دوری از رذائل اخلاقی

از دیگر اصولی که می توان در نامه ۳۱ نهج البلاغه استنباط کرد، دور کردن فرزند یا مربی از رذائل اخلاقی از جمله حرص ورزیدن و طمع و آز داشتن مخصوصا در اعمال نادرست و یا داشتن غرور و خودبزرگ بینی و ... است. چنانکه حضرت امیرالمؤمنین(ع) می فرمایند: «بپرهیز از آن که مرکب طمع ورزی تو را به سوی هلاکت به پیش راند...» چرا که طمع و حرص در اعمال نادرست می تواند منشأ مفاسد گوناگونی باشد. می توان گفت: «حرص و آز و طمع و هوا پرستی است که عامل تجاوزها و استثمارها و جنگها و خونریزیها، و گاه عامل ذلت و اسارت است»(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۹۵). اگر این صفات رذیله در دل باشد، آرامشی در آن نخواهد بود. اگر یک نظر اجمالی به ریشه های ناآرامی روح و پریشانی خاطر و اضطرابها و نگرانیها بیندازیم، می بینیم همه آنها از رذائل اخلاقی سرچشمه می گیرند، ولی یاد خدا آنها را می خشکاند و ناآرامی را به اطمینان و آرامش مبدل می سازد»(مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۴۱). البته باید توجه داشت که حرص و طمع ورزیدن در اعمال مطلوب چون تحصیل علم، عمل به دستورات خدا و انجام اعمال نیک و یا هر عمل مثبت و نیک دیگری بسیار خوب و بلکه مورد تأیید اسلام نیز است. چنانکه قرآن کریم تأکید می کند که افراد در امور نیک و اعمال خیر از یکدیگر سبقت بگیرند. از طرف دیگر حضرت امیرالمؤمنین(ع) در باب دوری از کبر و غرور نیز می فرمایند: «بدان که خودبزرگ بینی و غرور مخالف راستی و آفت عقل است»(نامه ۳۱). در این باب نیز باید گفت غرور نیز یکی از رذیلت هایی است که در آن فرد تنها به داشته ها و مقام و جایگاه خود فکر می کند و خود را برتر از دیگران می داند. پس به راحتی دیگران را تحقیر می کند و حتی چه بسا به مخالفت با دین و مقدسات برخیزد و یا با حق و عدالت و راستی مخالفت کند. لذا در امر تربیت فرزند یا مربی هم باید او را از رذائل اخلاقی و در اینجا به طور خاص حرص و طمع در امور نادرست و منفی به دور داشت و بلکه او را به سمت امور نیک و مثبت و حرص ورزیدن در این امور مثبت سوق داد. ضمن اینکه او را از آثار منفی خودبزرگ بینی و کبر و دیگر رذائل

اخلاقی آگاه کرد و به دور نگه داشت. چرا که توجه به این امور هم برای دنیا و هم آخرتش مطلوب است و قطعاً با دوری از رذائل و رفتن به سمت فضائل اخلاقی به سعادت خواهد رسید.

نتیجه گیری

ائمه اطهار(ع) دریایی از معارف حق و دارای علم و بینش وسیعی در حوزه‌های گوناگون هستند و در حقیقت مخزن علم خداوند نامیده می‌شوند. لذا برگرفتن امور تعلیم و تربیتی و از جمله تربیت معنوی از سیره و بیانات این بزرگواران قطعاً سبب سعادت و رستگاری خواهد بود. نهج البلاغه که حاوی آموزه‌های اعتقادی، تربیتی، دینی، سیاسی و اجتماعی و ابعاد مختلف دیگر از حضرت المؤمنین(ع) است گوه‌ری گرانبها مخصوصاً در عرصه تربیت محسوب می‌شود. در این میان خطبه یک و نامه ۳۱ نهج البلاغه دو بخش بسیار کاربردی و مهم هستند که مبانی و اصول و روش‌های تربیتی مهمی را در خود جای داده‌اند. لذا این پژوهش به بررسی اصول تربیت معنوی فرزندان یا متربی با تأکید بر این دو بخش پرداخت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اصول متعددی را می‌توان از این دو بخش در باب تربیت معنوی فرزندان یا متربی استخراج کرد که در این پژوهش ۱۰ اصل مورد بررسی قرار گرفتند. مطابق با این اصول در تربیت معنوی فرزندان یا متربی لازم است ابتدا فرزندان یا متربی به یک بینش عمیق و شناخت کاملی از مبانی خداشناسی و انسان‌شناسی و جهان‌شناسی الهی برسد. این مبانی پایه و اساس شکل‌گیری دیگر شناخت‌های او در زندگی هستند. با توجه به نامه ۳۱ نیز والدین یا مربی باید در سوق دادن فرزندان یا متربی به سمت خدا، ایمان به خدا، عمل به دستورات او، توجه به هدف غایی(قرب الی الله)، شناخت دنیا و توجه به آخرت، توجه به قرآن و عمل به دستورات آن، انجام دادن اعمال نیک، ایجاد فضائل اخلاقی در خود و دوری از رذائل اخلاقی، توجه و عمل به سیره ائمه اطهار(ع)، توجه به مرگ و معاد و طلب درخواست از خداوند متعال بکوشند. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در امر تعلیم و تربیت معنوی فرزندان یا متربیان مفید و سودمند باشد. لذا بکارگیری آنها در امر خطیر تربیت معنوی پیشنهاد می‌شود.

منابع

- قرآن کریم(۱۳۹۰)، (ترجمه آیت الله ناصرمکارم شیرازی)، قم: دارالقرآن کریم.
- نهج البلاغه(۱۳۹۱)، (ترجمه محمددستی)، قم: بکا.
- باقری، خسرو(۱۳۸۷)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
- رهبر، محمد تقی؛ رحیمیان، محمد حسن(۱۳۸۲)، اخلاق و تربیت اسلامی، تهران: سمت.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین(۱۳۷۴)، ترجمه تفسیرالمیزان(ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی)، تهران: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.
- کریستنس، جانسون (۱۳۹۱)، روش تحقیق در علوم تربیتی (ترجمه علی اکبر خسروی بابایی، کامبیز پوشنه، محرم آقازاده مترجمان)، تهران: آییژ.
- مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- محمدی، بیوک(۱۳۸۷)، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب(ع).